

## بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه ی قضائیه - 7 / تیر / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به همه ی برادران و خواهران عزیز، مسئولان محترم قوه ی قضائیه ی کشور و همچنین بازماندگان محترم شهدای گرانقدر هفتم تیر، که این دو مناسبت به مشیت الهی به یکدیگر گره خورده است؛ قوه ی قضائیه ی ما رنگ شهادت و بوی شهیدان به خود گرفته است. بسیار چیز مهمی است اگر ان شاءالله بتوانیم از این درست بهره ببریم.

يك جمله عرض میکنیم راجع به شهیدان عزیز هفتم تیر و این حادثه ی مهم و ماندگار؛ يك جمله هم عرض میکنیم به مسئولین محترم قوه ی قضائیه.

در باب حادثه ی هفت تیر آنچه که بیش از همه اهمیت دارد این است که در این حادثه عزیزترین و برجسته ترین عناصر انقلاب در معرض فداکاری قرار گرفتند و فدا شدند. شخصیتی مثل شهید بهشتی که يك عنصر بی نظیر، لااقل کم نظیر در مجموعه ی انقلاب بود، در خدمت انقلاب و در جهت انقلاب قربانی شد. آن تعداد از شخصیتها و نخبگان سیاسی و مدیران ارشد دستگاه ها، وزرا، نمایندگان مجلس، فعالان عرصه ی سیاست جمهوری اسلامی، که هر کدامی برای خودشان يك شخصیتی بودند - ما با بسیاری از اینها از نزدیک آشنا بودیم، با بعضی کار کرده بودیم - این خیلی مهم است که در این تراز، شخصیتهایی جانشان کف دستشان باشد و در معرض شهادت قرار بگیرند و در این راه قربانی بشوند. بالاخره يك کشور، يك نظام، يك تمدن، بدون فداکاری و قربانی دادن و خون دادن که به جایی نمیرسد؛ اینها پیشروان این راه بودند.

نکته ی بعدی این است که این نظام اینقدر جواهر نخبه را به صحنه آورد و به پای انقلاب ریخت و اینها را از دست داد، اما نظام تکان نخورد. آلهائی که این ترورها را طراحی میکردند، قصدشان اشخاص نبود. در درجه ی اول قصدشان بی پایه کردن و تهی کردن و نخبه زدائی کردن از انقلاب بود، میخواستند انقلاب را با این ترورها، با این فقدانها به شکست بکشاند؛ اما اینجور نشد و عکس این شد. یعنی پایه ی اصلی نظام که عبارت است از ارتباط مردم و نظام، بیشتر شد. اینها همه عبرتهای انقلاب ماست. و به شما عرض بکنم امروز هم همین است. امروز هم اگر جانهای خودشان را در معرض فداکاری و قربانی شدن برای نظام، برای خدا قرار بدهند و در این راه قربانی بشوند، این نظام مستحکمتر خواهد شد؛ ریشه های این نظام مثل همان شجره ی طیبه ای که در قرآن خدای متعال فرموده است، «أصلها ثابت و فرعها فی السّماء»، اینجور مستحکم است. دلہایمان را اینجور با مبانی و اصول و ارزشهای انقلاب پیوند بدهیم.

و شهید بهشتی، آن شخصیت برجسته و ممتاز، حقاً و انصافاً حقوق زیادی بر نظام جمهوری اسلامی و بر قوه ی قضائیه بالخصوص دارد. در همان دوران کوتاهی که ایشان در قوه ی قضائیه مشغول بودند - یعنی از اواخر سال 58 تا اوائل سال 60 - ابتکارات زیاد، کارهای بزرگ، نقشه های دوراندیشانه برای قوه ی قضائیه طراحی کردند. بحمدالله قوه هم حرکت کرده است و در این سی سال کارهای خوبی انجام گرفته. امروز هم بحمدالله با مدیریت شخصیت برجسته و ممتازی مثل جناب آقای شاهرودی که از لحاظ علم و صلاحیتهای گوناگون و همه جانبه حقاً، انصافاً برجسته هستند و در رأس قوه قرار دارند و ده سال - دو دوره ی پنج ساله - بار سنگین این قوه را بر دوش کشیدند.

در مورد قوه ی قضائیه آنچه که مهم است، این است که ما ببینیم قوه ی قضائیه برای چیست ؛ آن را تأمین کنیم. همه ی کارها در این جهت باید باشد. قوه ی قضائیه برای عدل است، برای عدالت است. معیار و شاخص عدل هم عمل به قانون است. اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است ؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این بی عدالتی است. و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعه ی قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صدرصد با احکام اسلامی منطبق نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده اند یا برخی قوانین دیگر، که اینها بایست اصلاح بشود. معیار، این است که بر طبق قانون عمل بشود. عدل، اینجا تحقق پیدا میکند.

البته عدالت در قوه ی قضائیه آسان به دست نمی آید. همین زیرساختهایی که جناب آقای شاهرودی اشاره کردند، همه ی اینها لازم است. این سیاستگذاری ها - که خود این سیاستگذاری یک زیرساخت نرم افزاری است - انتخاب سیاستهای خوب، سامانه های سخت افزاری ای که در قوه به وجود آمده است یا شروع کرده اند به اینکه آنها را به وجود بیاورند، همه لازم است. یعنی عدالت در یک مجموعه ی کلان مثل قوه ی قضائیه ای که بناست یک کشور بزرگ را با جمعیت هفتاد میلیونی، در بخش قضائی اداره کند، با تعارف و با حرف درست نمیشود ؛ همین مقدمات را لازم دارد، همین زیرساختها را لازم دارد. بنابراین آنچه که در زمینه ی این زیرساختها - چه نرم افزاری، چه سخت افزاری - انجام گرفته است، ارزشمند است ؛ باید قدر اینها را دانست. و ان شاءالله این سیاستها به همین شکل درست ادامه هم پیدا بکند. و واقعاً لازم است که من هم از شخص ایشان، هم - همان طور که ایشان گفتند - از مدیران ارشد قوه ی قضائیه در بخشهای مختلف که زحمات زیادی کشیده اند و جای قدردانی دارد، تشکر کنم.

لیکن نکته این است که اگرچه تأمین عدالت عام و شامل، متوقف بر این زیرساختهاست، اما اینجور نیست که وجود این زیرساختها لزوماً به معنای استقرار عدالت باشد. ممکن است این چیزها را داشته باشیم، عدالت هم نداشته باشیم ؛ از این باید ترسید. آنچه عدالت را تضمین میکند، انسان معتقد جازم عازم باراده ی خداترس است. از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد. «فلا تخشوا الناس و اخشون» را خدای متعال در قرآن میفرماید. اگر این شد، آن وقت با این دستگاه های متنوع و امروزی و خوب، میشود به عدالت به طور کامل رسید. اگر این اراده نبود، در این اراده سستی و اختلال ایجاد شد، هیچ کدام از این دستگاه ها به خودی خود عدالت را تأمین نخواهد کرد، بلکه گاهی حتی زمینه میشود برای بی عدالتی. اصل قضیه این است. بنده عرض عمده ام در این دیدارهای سالیانه ای که با شما مسئولان محترم قوه ی قضائیه دارم و در دیدارهای دیگری که محدودتر است با بعضی دیگر از بخشهای قوه ی قضائیه، همیشه همین است: ما باید نگاه کنیم ببینیم خروجی کار ما عدالت است یا نه. اگر عدالت شد، آن وقت پیش خدا و پیش نفس خودمان و پیش خلق هم سرافراز خواهیم بود. یعنی وقتی ما عدالت را اجرا کنیم، درست است که در قضاوت ما یک نفر خرسند خواهد شد، یک نفر ناخرسند - قهراً اینجوری است دیگر. وقتی انسان قضاوت میکند، یک طرف را خرسند میکند، یک طرف را ناخرسند میکند - اما حتی آن طرف ناخرسند هم در دل خود راضی است. اگر چنانچه عدالت را به خرج ندادیم، آن کسی هم که حکم ما به سود او بوده است، در دل به ما با بی اعتقادی، با استهزاء نگاه خواهد کرد ؛ در دل به ما خواهد خندید. مسئله ی اساسی این است. باید همه ی تلاش بر این باشد. عدالت هم از جمله ی آن چیزهایی است که «الحقّ أوسع الأشياء فی التواصف و أضيّقها فی التناصف» ؛ گفتنش آسان است، التزام به آن آسان نیست ؛ خیلی سخت است. انسان با موانع بزرگی برخورد میکند. اگر عزم راسخ و توکل به خدا وجود نداشته باشد، انسان وسط راه خواهد ماند ؛ این را باید در قوه ی قضائیه دائماً تزریق کرد، دائماً باید این روحیه را در سرتاسر قوه ی قضائیه پمپاژ کرد ؛ که ما وظیفه مان تناصف است، ایجاد عدل است.

سخت ترین قسمت عدل هم عبارت است از آنجائی که طرف مقابل عدل، اقویا هستند ؛ زیر بار نمیروند، زور میگویند، متوقعند. اینجا بایستی ایستادگی کرد. هنر قاضی این است، استقلال قاضی این است که در یک چنین مواقعی، فقط و فقط خدا را و مرّ قانون را در نظر بگیرد. در همه ی قضایا - قضایای فردی، قضایای اجتماعی - اگر قانون ملاک عمل

باشد، عدالت تأمین میشود.

در همین قضایای اخیر هم ما عرض کردیم، بنده مخالفم که مردم کشورمان را، مردم عزیزمان را به دو بخش تقسیم کنیم؛ یک عده ای را مقابل یک عده ی دیگر قرار بدهیم. قضیه اینجوری نیست. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه هایشان، نگاه هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تزاخم و تعارض و دست به یقه شدن نیست. ما نباید مردممان را وادار کنیم که با هم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصیحت میکنم: احساسات جوانها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند. ملت یکپارچه ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه ای دارد؛ نشانه ی این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوقهاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی آمدند پای صندوقها. پس این ملت با نظام خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، یک گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد.

در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اذیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت تر است. این را باید همه توجه کنند.

مردم ما به توفیق الهی، به هدایت الهی، به دستگیری الهی، مردم مؤمنی هستند؛ هم آگاهند، هم مؤمنند، هم حاضر در صحنه اند، پا به رکابند در هر جایی که لازم باشد. ماها باید خودمان را اصلاح کنیم. نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همه ی نخبگان است، خطاب به یک طرف خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، یک ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمیبرد. وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه های خناسان بین المللی، این سیاستمداران ظالم، مداخله گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد.

می بینید بعضی از سردمداران دنیا - از آمریکائی گرفته تا بعضی از کشورهای اروپائی - همه ی مشکلاتشان تمام شده، مشکل ایران برای اینها باقی مانده است! در یک مسئله ی داخلی مردمی صددرصد مرتبط به ملت ایران، چانه تکان میدهند و اظهارنظرهای سخیف میکنند؛ غافل از اینکه هر جا آنها پا گذاشتند از مواضع سیاسی، از نظر ملت ایران آنجا نجس خواهد شد.

جانبداری های آنها درست بعکس نتیجه میدهد. مردم از خودشان میپرسند چه چیزی موجب شده است که این دشمنانی که سی سال است علیه انقلاب اسلامی دارند تلاش میکنند و از همه ی ابزارها و امکاناتشان علیه این کشور و علیه این ملت استفاده کردند، حالا شده اند دلسوز؟! مردم توطئه را میفهمند؛ مردم ما خباثت را درک میکنند. مشکل آنها هم همین است. اگر با یک ملت بیهوش بی حواسی مواجه بودند، مشکلی نداشتند؛ اما با یک ملت هوشیار مواجه اند، با یک ملت مجرب مواجه اند.

تجربه های سی ساله ی ما، ملت را آگاه کرده است. اینها میدانند. اینها همان دولتها و حکومتهایی هستند که هشت

سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بمباران شد، خانه ها ویران شد، بمبهای شیمیائی زدند، انسانهای بی گناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم کردند. مردم ما این را دیده اند. اینها که فراموش شدنی نیست. حالا شده اند دلسوز! مردم رفتار اینها را با ملتهای مظلومی که پنجه ی اینها در آنها جاگیر شده است، می بینند ؛ مثل ملت افغانستان، مثل ملت عراق، مثل پاکستان، مثل ملت فلسطین. هر جا اینها پنجه شان جاگیر شد، ناخنشان بند شد، هرچه توانستند، ضربه زدند. اینها به مردم رحم نمیکنند ؛ مردم دوستی، دور از جناب آنهاست. حالا نسبت به ملت ایران، نسبت به کسی یا کسانی در داخل کشور، طرفدار شده اند! خب معلوم است که این غرض و مرض آنها از این کارها چیست. این را مردم میفهمند. شما اگر متحد باشید، شما اگر با هم باشید، شما اگر این روحیه ی استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سی سال ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لایضرکم کیدهم شیئا» ؛ هرگز دشمنی آنها به شما اثری نخواهد کرد، و آنها نخواهند توانست به ملت ایران آسیبی وارد کنند.

از خداوند متعال توفیقات همه ی شما برادران و خواهران، مسئولان محترم را در وظائف گوناگون اختصاصی و عمومی که هر کدام از ما بر عهده داریم، مسئلت میکنم و امیدوارم ان شاءالله ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله ( ارواحنا فداه) شامل حال ملت ایران و همه ی ما باشد و روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه ی شهدای گرامی و شهدای هفت تیر ان شاءالله از ما و رفتار ما و گفتار ما راضی باشند.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته